

مقایسه وضعیت موجود (ویژگی‌های فردی-اجتماعی) زنان شاغل و غیر شاغل روستایی

*فاطمه جمشیدی (M.A)، محمد کریم معتمد (PH.D)^۱، معصومه جمشیدی (PH.D student)^۲

چکیده: هدف تحقیق حاضر، مقایسه وضعیت موجود زنان شاغل و غیر شاغل روستایی شهرستان شیروان چرداول از استان ایلام می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان شاغل و غیر شاغل روستایی شهرستان شیروان چرداول تشکیل می‌دهند (N=27439) حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران مشخص شده و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به تعداد ۳۸۰ نفر انتخاب شد. که از این تعداد ۲۴۰ نفر شاغل و ۱۴۳ نفر غیر شاغل بودند. ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر، پرسشنامه بود. روایی گویه‌ها توسط نظرات متخصصان مورد تایید قرار گرفت. و پایایی آن با انجام پیش‌آزمون و محاسبه آلفای کرونباخ (۰/۷۶) به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی به صورت میانگین، درصد، درصد جمعی و فراوانی و آمار استنباطی با استفاده از روش من ویتنی، تی تست و آزمون خی دو استفاده گردید. میانگین سن زنان شاغل نمونه مورد پژوهش، ۴۱/۸۹ سال و میانگین سن زنان غیر شاغل برابر با ۵۶/۶۰ سال می‌باشد.

یافته‌ها: اختلاف معنی‌دار بین زنان روستایی شاغل و غیر شاغل از لحاظ میزان تحصیلات، میزان مالکیت زمین زراعی، وضعیت تأهل و تعداد افراد خانوار مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین زنان شاغل و غیر شاغل روستایی شهرستان شیروان چرداول از لحاظ سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و تعداد افراد خانوار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال زنان، زنان روستایی، ویژگی‌های فردی-اجتماعی، شهرستان شیروان چرداول

۱. *نویسنده مسئول - کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه گیلان- ۰۹۱۸۶۱۵۹۲۴۵- ahoocom-

Fati.gamshidi@yahoo

۲. استاد گروه توسعه روستایی دانشگاه گیلان

۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان - اصفهان - خیابان هزار جریب - دانشگاه

اصفهان - دانشکده جغرافیا - گروه برنامه‌ریزی روستایی - ۰۹۱۳۲۶۷۴۴۲ -

Masomeh_jamshidi@yahoo.com

مقدمه:

نقش و جایگاه زنان در توسعه کشاورزی و روستایی کم و بیش بر همه روشن است، اما در عمل کم‌تر این نقش و جایگاه مورد توجه قرار گرفته و هم‌چنان نگرش غالب، نگرش به زنان به عنوان ایفا کنندگان نقشهای غیر کلیدی است. زنان روستایی، تلاشگران خستگی‌ناپذیر و بی‌نشان عرصه تولیدند و سهم بسزایی در اقتصاد خانواده و در کشور دارند. زنان روستایی همراه مردان کار می‌کنند و به دلیل انجام کارهای متعدد همه از آنان توقع دارند و هیچ‌وقت خستگی را از این افراد نمی‌پذیرند. اما این زنان با مشکلاتی هم‌چون ازدواج ناموفق، ازدواج تحمیلی، ترک تحصیل و فراهم نشدن زمینه کار برای افراد تحصیل کرده روبرو هستند.

وجود سنت مردسالاری در روستا و نگرش نامناسب به جایگاه زن باعث شده است که زنان و دختران در نوعی انزوای اجتماعی و فکری قرار بگیرند. زن روستایی با وجود تلاش خستگی‌ناپذیر و کار در کنار مردان، متأسفانه اندوخته‌ای برای دوران پیری و از کار افتادگی ندارد [۸]. به همین جهت و با توجه به وضعیت کنونی جهان می‌توان گفت که توسعه پایدار در روستاهای ما زمانی امکان‌پذیر است که زن‌ها از وضعیت تحقیرآمیز خود با وجود کار و تلاش طاقت‌فرسا خارج شده و صاحب درآمد و مالک منابع مالی همراه با دخالت و مشارکت در امور و مسائل اجتماعی خود شوند. برای نشان دادن اهمیت موضوع باید خاطر نشان ساخت که مشارکت زنان همراه مردان در تمامی مسائل نشان‌پذیرش برابری ارزش انسانی همه‌ی آحاد جامعه می‌باشد که با هم در امور مختلف هم‌کاری نموده و از طریق آن دست به تحول می‌زنند و تغییراتی مثبت را به وجود می‌آورند که برای آینده‌ی کل جامعه می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود [۷].

نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. با توجه به این که نیمی از کل جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند و دو سوم ساعات کار انجام شده توسط زنان صورت می‌پذیرد، تنها یک دهم درآمد جهان و فقط یک صدم مالکیت اموال و دارایی‌های جهان به زنان اختصاص یافته است. بنابراین وجود نابرابری برای زنان در تمامی جوامع کم و بیش وجود دارد که در برخی از سازمان‌های جهانی در چند سال اخیر به این مسئله بیشتر توجه شده و در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان اقتصادی و اجتماعی سازمان‌های مختلف جهانی قرار گرفته است. از آنجایی که در بررسی

عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی اجتماعی کشورها، توجه به نیروی انسانی و تخصص مطرح است لذا سخن از اشتغال زن و رابطه آن با توسعه نیز امری ضروری است [۴]. از نظر گرسن، زنان از نظر اشتغال چهار مسیر را در طول زندگی می‌گذرانند: [۹].

اول مسیر سختی که برخی زنان هنوز از آن پیروی می‌کنند. آنها مادر تمام وقت‌اند و اگر هم کار کنند در دوره‌های کوتاهی در خارج از خانه مشغول کار می‌شوند. برای آنها مادر بودن شغلی به شمار می‌آید که از آن رضایت دارند.

دسته دوم میان بینش سنتی و چشیدن طعم شغلی خوب در خارج از خانه مرددند. هم جاه‌طلبی شغلی دارند و هم احساسات دوگانه در برابر مادری. ممکن است در سنین زیر ۲۰ سالگی یا آغاز ۲۰ سالگی ازدواج کرده باشند و پس از ازدواج یا طلاق گرفتن، وارد بازار کار شده باشند.

دسته سوم مسیر غیرسنتی را انتخاب می‌کنند و از همان آغاز خواهان کار، در ازای حقوق در خارج از خانه هستند. بدین ترتیب می‌کوشند ترتیبی بدهند که در کنار وظایف خانوادگی هم کار بکنند.

دسته چهارم زنانی هستند که با بر باد رفتن آرمانهای شغلی خود خانه را پناهگاه و گریزگاه می‌دانند. این دسته ممکن است در آغاز با امیدهای فراوان وارد دنیای کار شوند، اما پس از سرخوردگی به خانه روی می‌آورند [۹].

اهمیت و ضرورت اشتغال زنان: صنعتی شدن اقتصاد و مسأله نیاز روزافزون به نیروی انسانی ماهر زن، وجود او را جزء یکی از پربهاترین عوامل تولید قرار داد. تعداد بسیاری از زنان در نتیجه پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی، به مرور از کارخانه‌داری کاسته، بر کوشش خود در مشاغل اقتصادی در خارج از منزل افزودند (دودورانت، ۱۳۶۹). علاوه بر اینها، اهمیت اشتغال زنان را در بعدی گسترده‌تر به عنوان یکی از ارکان توسعه اقتصادی- اجتماعی می‌توان مطرح نمود: شناخت نیروی بالقوه اقتصادی در جامعه و تشخیص امکانات موجود در این زمینه برای دستیابی به هدف- های اقتصادی- اجتماعی، امری ضروری است. توسعه اقتصادی با عوامل زمان، پیوندی تنگاتنگ دارد و در طی گذشت زمان، خود را می‌نمایاند. همان‌گونه که بهره‌وری کار انسان در تولید نقشی تأثیرگذار در توسعه دارد، نیازهای وی و برطرف کردن آنها نیز، چند و چون توسعه اقتصادی را رقم می‌زند [۶].

حال با توجه به ضرورت موضوع، هدف تحقیق حاضر، مقایسه وضعیت موجود (ویژگی‌های فردی-اجتماعی) زنان شاغل و غیرشاغل روستایی شهرستان شیروان چرداول است. و در این راستا، مطالعه‌ی حاضر به مهم‌ترین سوال پژوهش (آیا رابطه معنی‌داری از نظر شاخص‌ها و ویژگی‌های فردی-اجتماعی بین زنان شاغل و غیر شاغل وجود دارد؟) پاسخ خواهد داد.

همچنین فرضیه مورد نظر در تحقیق حاضر به شرح زیر می‌باشد:

انتظار می‌رود، تفاوت معنی‌داری به لحاظ ویژگی‌های فردی-اجتماعی بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود داشته باشد. که شامل زیر فرضیه‌های زیر می‌باشد:

الف- انتظار می‌رود، تفاوت معنی‌داری به لحاظ میزان تحصیلات بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود داشته باشد.

ب- انتظار می‌رود، تفاوت معنی‌داری به لحاظ سن بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود داشته باشد

ج- انتظار می‌رود، تفاوت معنی‌داری به لحاظ وضعیت تأهل بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود داشته باشد

د- انتظار می‌رود، تفاوت معنی‌داری به لحاظ تعداد افراد خانواده بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود داشته باشد

در زمینه اشتغال زنان، مطالعات زیادی صورت گرفته است. در این مقاله به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

ویسی و بادسار(۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت‌های روستایی استان کردستان انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که بین سطح سواد و مشارکت اجتماعی و اشتغال زنان در استان کردستان رابطه مثبتی وجود دارد. بنابراین تمرکز تلاش‌ها در ارتقاء سطح تحصیلات زنان می‌تواند گامی مهم و اساسی برای ارتقاء جایگاه آنها در فعالیت‌های روستایی باشد.

دادور خانی(۱۳۸۵)، در پژوهش خود به بررسی توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان پرداخت. و در پایان به این نتیجه رسید که از بین عوامل تأثیر گذار بر اشتغال زنان، عامل درآمد خانوار، طبقه اجتماعی، سواد و انزوای جغرافیایی بیشترین اثر را بر جای گذاشته است. به عبارتی از سهم و نقش اشتغال زنان کاسته است.

آلی و همکارانش^۱ (۱۹۹۶)، به بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت زنان در بازار کار کویت پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که نرخ دستمزد زنان و تحصیلات آنها اثر مثبت و وضعیت تأهل، تعداد بچه و سن زنان اثر منفی بر نرخ مشارکت زنان دارد.

ژنگ و همکاران^۲ (۲۰۰۸)، به بررسی اشتغال مبتنی بر جنسیت و اختلاف درآمد در مناطق شهری چین: با توجه به سهم ازدواج و نقش والدینی پرداختند. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تنها زنان بر اثر ازدواج و تشکیل خانواده، در هردو موقعیت درآمد و اشتغال، تاثیر منفی گرفته- اند.

کویان و زی^۳ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان ورود زنان به کارآفرینی خود اشتغالی در مناطق شهری چین: نقش خانواده در ایجاد الگوهای تحرک جنسیتی، به این نتیجه رسیدند که زنان متأهل که با هدف کارآفرینی خود اشتغال آموزش دیده‌اند با مسئولیت‌های خانواده برای دسترسی به خدمات در مشاغل بخش دولتی محدود شده‌اند و میزان بسیار پایین‌تر ورود به بحث خود اشتغالی را دارند. یوسفی و براتعلی (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان زنان، اشتغال و تحصیل آموزش عالی، به این نتیجه رسیدند که زنان با سطوح آموزش عالی بالا از موقعیت‌های شغلی بهتری بهره‌برده‌اند. همچنین به این نتیجه رسیدند که آموزش عالی نقش کلیدی و مهمی در اشتغال و ارتقاء موقعیت کاری زنان دارد.

روش تحقیق: این تحقیق به روش پیمایشی انجام شد و از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را زنان شاغل و غیر شاغل روستایی شهرستان شیروان چرداول تشکیل می‌دهد. (N=27439) حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به تعداد ۳۸۰ نفر انتخاب شد که شامل ۲۴۰ زن شاغل و ۱۴۳ زن غیر شاغل بود. ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر، پرسشنامه بود که شامل پرسش‌هایی در مورد ویژگی‌های فردی و اجتماعی زنان شامل سن، تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، عضویت در گروه‌های ثانویه،

¹-Aly, Y.H, and I. A. Quisi

² - Zhang, Y., Hannum, E., & Wang, M

³ - Quian, F.Z, and Zi.P

میزان مشارکت و ... بود. روایی گویه‌ها توسط نظرات متخصصان مورد تایید قرار گرفت. و پایایی آن با انجام پیش‌آزمون و محاسبه آلفای کرونباخ (۰/۷۶) به‌دست آمد. برای تجزیه و تحلیل از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و غیره) و آمار استنباطی شامل آزمون من ویتنی، تی تست و آزمون خی دو استفاده شد و کلیه محاسبات آماری این پژوهش به‌وسیله نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ تحت ویندوز انجام گرفت.

نتایج و بحث

الف- بررسی ویژگی‌های فردی اجتماعی زنان شاغل و غیر شاغل شهرستان شیروان چرداول
جدول ۱- نشان دهنده ویژگی‌های فردی- اجتماعی زنان شاغل و غیر شاغل شهرستان شیروان چرداول است. میانگین سن زنان شاغل نمونه مورد پژوهش، ۴۱/۸۹ سال و میانگین سن زنان غیر شاغل برابر با ۵۶/۶۰ سال می‌باشد. بنابراین زنان شاغل به‌طور نسبی جوانتر از زنان غیر شاغل می‌باشند. ۸۳/۳ درصد زنان شاغل و ۵۹/۵۵ درصد زنان غیر شاغل در نمونه مورد بررسی متأهل بودند که از این تعداد ۱۱/۷ درصد زنان شاغل و ۱۹/۶ درصد زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه سرپرست خانوار خود بودند. همچنین ۳۱/۷ درصد زنان شاغل روستایی و ۷۷/۶ درصد زنان غیر شاغل در نمونه مورد پژوهش بیسواد بودند، که این حالت نمایانگر برتری وضعیت سواد و تحصیلات در بین زنان شاغل به‌طور نسبی است. میانگین تعداد افراد خانوار در مورد زنان شاغل ۵/۱۵ نفر و در مورد زنان غیر شاغل ۵/۹ نفر می‌باشد.

جدول ۱- ویژگی‌های فردی، اجتماعی زنان شاغل و غیر شاغل روستایی شهرستان شیروان چرداول

متغیرها	وضعیت اشتغال			
	غیر شاغل (n=143)		شاغل (n=240)	
	میانگین	درصد	میانگین	پاسخ‌ها
سن	۵۶/۶۰	-	۴۱/۸۹	-
تعداد اعضای خانوار	۵/۹	-	۵/۱۵	-
وضعیت تأهل		۱۶/۷		مجرد
	۴۰/۴۵		۸۳/۳	متاهل
وضعیت سرپرست خانوار		۱۱/۷		بله
	۱۹/۶		۸۸/۳	خیر
تحصیلات		۳۱/۷		پسواد
	۷۷/۶		۲/۵	نهدت
	۱۴/۷		۰/۸	ابتدایی
	۳/۵		۵/۴	راهتمایی
	۳/۵		۱۸/۸	دبیرستان
	۰/۷		۰/۰	فوق دیپلم
	۰/۰		۴۰/۸	لیسانس و بالاتر
	۰/۰			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ب- مقایسه زنان شاغل و غیر شاغل روستایی شهرستان شیروان چرداول از نظر ویژگی‌های فردی- اجتماعی

در تحقیق حاضر، با توجه به مقیاس داده‌ها از آزمون‌های پارامتری و ناپارامتری استفاده شده است. بطوریکه داده‌ها با مقیاس ترتیبی (داده کیفی) از آزمون ناپارامتری من ویتنی و داده‌های با مقیاس فاصله‌ای و نسبی (داده کمی) از آزمون‌های پارامتری T-test و خی دو استفاده شده است. برای مقایسه وضعیت موجود زنان شاغل و غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه از متغیرهای فردی و اجتماعی مانند میزان تحصیلات، سن، وضعیت تأهل و تعداد افراد خانواده زنان استفاده گردید که در زیر به بررسی هر یک از این متغیرها در رابطه با زنان شاغل و غیر شاغل می‌پردازیم.

بررسی میزان تحصیلات زنان روستایی شاغل و غیر شاغل

به منظور مقایسه وضعیت زنان شاغل و غیر شاغل روستایی در شهرستان مورد مطالعه از نظر میزان تحصیلات، ابتدا لازم است دو شرط زیر قرار داده شوند.

H_0 : انتظار می‌رود، هیچ تفاوت معنی‌داری به لحاظ میزان تحصیلات بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود نداشته باشد.

H1: انتظار می‌رود، تفاوت معنی‌داری به لحاظ میزان تحصیلات بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود داشته باشد.

جدول ۲- مقایسه میزان تحصیلات زنان روستایی شاغل و غیر شاغل نمونه مورد مطالعه

گروه	تعداد	میانگین رتبه‌ای
زنان روستایی غیر شاغل	۱۴۳	۱۲۱/۷۹
زنان روستایی شاغل	۲۴۰	۲۳۳/۸۳
sig=۰/۰۰۰	Wilcoxon Z=-۱۰/۲۷۲ W=۱۷۴۱۶/۰۰	Mann-Whitney U=۷۱۲۰/۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول ۲- مشاهده می‌شود از آزمون من ویتنی برای مقایسه میزان تحصیلات بین زنان روستایی شاغل و غیر شاغل در منطقه مورد مطالعه استفاده شده است. میزان Z محاسبه شده نشان از وجود اختلاف معنی‌دار بین زنان روستایی شاغل و غیر شاغل در شهرستان مورد مطالعه، به لحاظ میزان تحصیلات دارد. بنابراین فرض H1 قبول می‌شود.

بررسی سن زنان روستایی شاغل و غیر شاغل

همچنین به منظور مقایسه وضعیت زنان شاغل و غیر شاغل روستایی در شهرستان مورد مطالعه از نظر سن، دو شرط زیر قرار داده شدند.

H0: انتظار می‌رود، هیچ تفاوت معنی‌داری به لحاظ سن بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود نداشته باشد.

H1: انتظار می‌رود، تفاوت معنی‌داری به لحاظ سن بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود داشته باشد.

جدول ۳- مقایسه سن زنان روستایی شاغل و غیر شاغل نمونه مورد مطالعه

گروه	تعداد	میانگین
زنان روستایی غیر شاغل	۱۴۳	۵۶/۶۰
زنان روستایی شاغل	۲۴۰	۴۱/۸۹
sig=۰/۰۰۰	T=۱۴/۵۶۹	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

طبق جدول ۳- و بر اساس آزمون تی مستقل، سطح احتمال یا سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ است. این میزان نشان‌دهنده اختلاف معنی داری بین زنان شاغل و غیر شاغل از لحاظ میزان مالکیت زمین زراعی در شهرستان مورد مطالعه است. بنابراین با توجه به معنی داری این رابطه، فرض H1 قبول می‌شود.

بررسی وضعیت تأهل زنان روستایی شاغل و غیر شاغل

برای مقایسه وضعیت تأهل زنان روستایی شاغل و غیر شاغل در شهرستان مورد مطالعه پس از تعیین شرط‌های زیر از آزمون خی دو استفاده گردید.

H0: انتظار می‌رود، هیچ تفاوت معنی داری به لحاظ وضعیت تأهل بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود نداشته باشد.

H1: انتظار می‌رود، تفاوت معنی داری به لحاظ وضعیت تأهل بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود داشته باشد

جدول ۴- مقایسه وضعیت تأهل زنان روستایی شاغل و غیر شاغل نمونه مورد مطالعه

وضعیت تأهل		گروه
متاهل	مجرد	
۸۵	۵۸	زنان روستایی غیر شاغل
۲۰۰	۴۰	زنان روستایی شاغل
Chi-square=۲۶/۶۱۳		sig=۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول ۴- مشاهده می‌شود، برای مقایسه وضعیت تأهل در بین زنان روستایی شهرستان شیروان چرداول، از آزمون خی دو استفاده شده است. میزان Chi-square محاسبه شده در این جدول نشان می‌دهد که با احتمال ۹۹ درصد فرض H1 قبول می‌شود و تفاوت معنی دار بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه از نظر وضعیت تأهل وجود دارد.

-بررسی تعداد افراد خانواده زنان روستایی شاغل و غیر شاغل

برای آزمون فرضیه نهایی، ابتدا دو شرط زیر قرار داده می‌شود:

H0: انتظار می‌رود، هیچ تفاوت معنی‌داری به لحاظ تعداد افراد خانواده بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود نداشته باشد.

H1: انتظار می‌رود، تفاوت معنی‌داری به لحاظ تعداد افراد خانواده بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه وجود داشته باشد.

جدول ۵- مقایسه تعداد افراد خانواده زنان روستایی شاغل و غیر شاغل نمونه مورد مطالعه

گروه	تعداد	میانگین
زنان روستایی غیر شاغل	۱۴۳	۵/۹
زنان روستایی شاغل	۲۴۰	۵/۱۵
	$T=۲/۷۳۳$	$sig=۰/۰۰۷$

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برای مقایسه تعداد افراد خانوار زنان روستایی شهرستان مربوطه، از آزمون T مستقل استفاده شده است. میزان T محاسبه شده در این جدول نشان می‌دهد که با احتمال ۹۹ درصد فرض $H1$ قبول می‌شود و تفاوت معنی‌دار بین زنان شاغل و زنان غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه از تعداد افراد خانوار وجود دارد. نتایج در جدول ۵- نشان داده شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات: نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین زنان روستایی شاغل و غیر شاغل به لحاظ میزان تحصیلات وجود دارد. متغیر تحصیلات به عنوان یک عامل مهم برای حضور زنان روستایی شهرستان مورد مطالعه در عرصه‌های فعالیت بیرون از خانه بود. سطح تحصیلات فرد از جمله متغیرهای فردی است که با سطح اطمینان ۹۹ درصد بر میزان اشتغال تأثیر مثبت دارد. این متغیر بیانگر آن است که تمرکز تلاش بر ارتقای سطح تحصیلات زنان روستایی شهرستان مورد مطالعه، می‌تواند به گامی مهم و اساسی برای ایفای جایگاه آنان باشد.

نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین زنان شاغل و غیر شاغل روستایی شهرستان مورد مطالعه از لحاظ وضعیت تأهل وجود دارد. ۵۹/۵۵ درصد زنان غیر شاغل در نمونه مورد بررسی در تحقیق حاضر متأهل بودند، اما وضعیت تأهل زنان روستایی شاغل این شهرستان، این چنین بود که ۸۳/۳ درصد آنان متأهل و بقیه مجرد بودند. شاید اشتغال زنان روستایی این شهرستان، به وظیفه سنگین

خانه‌داری صدمه بزند، آنان همانند سایر زنان روستایی ایران، اغلب، علاوه بر وظایف خانه‌داری و تربیت فرزندان، کارهای تولیدی و بیرون از خانه و کار در مزرعه به عنوان کمک کار همسر و یا پدر خانواده را بر دوش دارند اما شاغل محسوب نمی‌شوند، و مانع از اشتغال برای کسب درآمد توسط آنان در بیرون از فضای خانه می‌شود. زنان متأهل روستایی، در شهرستان مورد مطالعه، وظایف متعددی را بر عهده دارند، این وظایف در اکثر موارد منجر به کسب درآمد می‌شود، اما آنچه که متعارف و متداول است، این است که اغلب مردان، درآمد کسب شده توسط زنان را تصاحب کرده و در پایان آنچه که برای زنان باقی می‌ماند پولی است که مردان به عنوان خرجی در اختیار زنان قرار می‌دهند. یعنی زنان روستایی متأهل در شهرستان مورد مطالعه، بابت انجام کارهای تولیدی خود، شخصا درآمد کسب شده را دریافت نمی‌کنند و با نوعی عدم استقلال مالی مواجه هستند و تقریباً همیشه از لحاظ مال و پولی به مردان خود وابسته هستند. در اینجا به دلیل اختصاص ساعت‌های طولانی توسط آنان در فضای خانه برای انجام وظیفه خانه‌داری و بچه‌داری و در فضای بیرون از خانه برای امر تولید امکان اشتغال توسط آنان و کسب استقلال مالی وجود ندارد.

همچنین، نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری از لحاظ تعداد افراد خانوار بین زنان شاغل و غیر شاغل روستایی شهرستان مورد نظر وجود دارد. و تعداد افراد خانوار به عنوان یکی از مولفه‌های موثر بر اشتغال زنان روستایی شهرستان مورد مطالعه است. هرچه تعداد افراد خانواده زیاد باشد و به دنبال آن، تنها مرد خانواده به عنوان سرپرست خانواده وظیفه تأمین معاش را بر عهده داشته باشد، بار تکفل سنگین می‌شود. در این حالت به دلیل آنکه تنها یک نفر مولد درآمد است و چند نفر به عنوان مصرف کننده آن درآمد به حساب می‌آیند، مرد خانواده تحت فشار قرار گرفته و خانواده نیز با فقر مواجه می‌شوند. در این صورت زنان روستایی برای جبران چنین حالتی همراه و همگام با همسر خود در عرصه‌های فعالیت بیرون از خانه قرار می‌گیرند.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به تفاوت معنی‌دار بین زنان روستایی شاغل و غیر شاغل از نظر سطح تحصیلات در شهرستان شیروان چرداول، پیشنهاد می‌شود امکان فراگیری سواد از طریق برگزاری دوره‌های نهضت سواد آموزی و ادامه تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی برای زنان بیسواد و کم سواد و خانواده‌هایشان فراهم گردد.

- با توجه به اینکه تفاوت معنی‌داری بین درآمد خانوار زنان شاغل و غیر شاغل وجود دارد. و همه آنها به سرمایه کافی برای قرارگیری در یک شغل مناسب دسترسی ندارند، پیشنهاد می‌شود به منظور فراهم آوردن بستری مناسب جهت فعالیت‌های تولیدی زنان روستایی، زمینه‌های دسترسی زنان به وام‌ها و اعتبارات مهیا گردد. تا از این طریق زنان مالک کار خود شوند و به کارهای سخت و طاقت فرسا نپردازند.

References:

1. Aly. Y.H, and I. A. Quisi (1996), Development And Women Labor Force Participation In Kuwait: Alogit Analysis, The Middle East Business And Economic Review, 8(2), Pp1-9.
2. Dadvrkhani, F. " rural development and women's employment challenges, Geographical Studies", No. 55, pp. 188-171. (2006).
3. Dodverant, V., "The pleasures of philosophy", translated by Zaryab, A.organizations, publications and training Islamic Revolution, Tehran, Fifth Edition.(1990).
4. ILo, (2001), Generating Opportunities For Young People: The ILOs Decent Work Agenda. ILO in Focus Program Skills Knowledge And Employability. Geneva: ILO Employment Sectir.
5. Quian, F.Z, and Zi.P, (2001), Women's Entry Into Self-Employment In Urban China: The Role Of Family In Creating Gendered Mobility Pattern, World Development, Vol. 40, No.6, pp 1201-1212.
6. Ravdrad, A. "Analysis of the role of women in development, with an emphasis on employment", Journal of Social Science Research, School of Social Sciences (Tehran University) - No. 15. (2000).
7. Safari Shali, R." The role of social and economic empowerment of women in sustainable rural development, micro-credit and Rural Women's Conference Proceedings, Ministry of Agriculture, Department of Rural and nomadic women, promote public participation and the office.(2001).
8. Talebi Far, A."Social and economic factors affecting women's employment (the city Ghayenat)", Master's thesis in Sociology, Faculty of Letters and Human Sciences, University of Isfahan. (2001).
9. Tavakoli, N. " Industrial Sociology". Publications Payam Noor, Tehran. (1995).
10. Vaici, H. And Badsar ,WM."investigate the factors affecting the social role of rural women in village activities", Case Study of Kurdistan Province, Journal of Rural Development, Year VIII, No. 4, pp. 42. (2005).
11. Yousefy, A. and ,M. Baratali, (2001), Women, Employment And Higher Education Schoolings, Procedia Social and Behavioral Sciences, Vol. 15 , Pp.3861-3869.
12. Zhang, Y., Hannum, E., & Wang, M. (2008). Gender-Based Employment And Income Differences In urban China: Considering The Contributions Of Marriage And Parenthood, Social Forces, 86(4), 1529-1560.